

رضانصری در گفت‌وگو با «شرق»
راهکارهای تهران-واشنگتن را برای عبور از بن‌بست بر جام تحلیل کرد

فرمول توافق خاموش

فرمول توافق خاموش، راهکارهای تهران-واشنگتن را برای عبور از بن‌بست بر جام تحلیل کرد

«تبادل زندانیان بین دو کشور، حفظ یک سقف برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران و احیای سازوکارهای نظارتی آژانس، اخذ تضمین‌های امنیتی برای نیروهای آمریکایی در منطقه، آزادی برخی دارایی‌های ایران و اجرائشدن برخی از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا می‌تواند از موضوعات «توافق خاموش» باشد.»
رضانصری، تحلیلگر امور بین‌الملل، با بیان این موارد از امکان دستیابی به فرمولی مشترک در تهران و واشنگتن خبر می‌دهد که براساس آن بتوانند توافقی نانوشته را به مرحله اجرا درآورند. او تصریح می‌کند: «در واقع، فرمول «احیای برجام به شکل سابق» در مقطع کنونی قابل تحقق نیست؛ چراکه آقای بایدن در فصل انتخاباتی قرار دارد و حاضر نیست بابت احیای برجام با لابی اسرائیل، رقبای خود و کنگره - که اصرار بر بازبینی هر توافقی با ایران وفق قانون INARA آن دارند - درگیر شود».
به باور این کارشناس روابط بین‌الملل «فرمول «توافق موقت» نیز یاب میل ایران نیست؛ چراکه احساس می‌کند دراین‌صورت ماهر مذاکراتی خود را تضعیف خواهد کرد و در ازای آن امتیاز چشمگیری که بر اقتصاد کشور تأثیر معناداری داشته باشد، به دست نخواهد آورد. پس می‌توان این‌طور استنباط کرد که طرفین به این نتیجه رسیده‌اند که باید فرمول سومی پیدا کرد».

و احیای سازوکارهای نظارتی آژانس؛ اخذ تضمین‌های امنیتی برای نیروهای آمریکایی در منطقه؛ آزادی برخی دارایی‌های ایران و عدم اجرای برخی از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا می‌تواند از موضوعات «توافق خاموش» باشد. با توجه به اینکه بهانه «سیاست‌های منطقه‌ای بی‌ثبات‌کننده ایران» نیز در عمل با عادی‌سازی روابط ایران و عربستان تا حدود زیادی از واشگتن گرفته شده و در عمل بلاموضوع شده است به نظر می‌رسد این موارد، موارد اصلی باشد.
♦ **با وجود این قطعاً مخالفت‌هایی از سوی افرادی که منافعشان را در توافق میان ایران و آمریکا نمی‌بینند ابراز خواهد شد. آیا برای جلوگیری از ابراز مخالفت ناهیان هرگونه توافقی میان تهران و واشنگتن، روشی اندیشیده‌شده است و آیا توافق موردنظر می‌تواند تأثیری بر موضوعاتی چون معیشت مردم و اقتصاد ایران داشته باشد؟**

حقیقت این است که اتخاذ روش‌های پیچیده مذاکراتی در همه سال‌های گذشته بیش از هر چیز به خاطر ملاحظات سیاست داخلی بوده است. طبیعی است ایران کنترل چندانی بر فضای سیاست داخلی آمریکا ندارد؛ اما در داخل، در نهایت آنچه منجر به بهبود وضعیت معیشت مردم می‌شود یک آسیب‌شناسی صادقانه و یک درک مشترک از مسائل است. شخصاً معتقدم لازم است همه جریان‌ها به این نتیجه برسند که رفع تحریم برای توسعه و بهبود معیشت مردم بسیار مهم است و دست‌کم این یک مورد را از دستور کار بازی‌های جناحی خود خارج کنند! این نکته را نیز لازم است درک کنند که موضوع رفع تحریم به هیچ عنوان نافی تلاش‌های دوراندیشانه برای خنثی سازی اثر تحریم‌ها در قالب پیمان‌هایی مانند بریکس نیست. در بلندمدت، به احتمال زیاد تلاش‌ها برای مصون‌سازی اقتصاد از تحریم‌تربیش خواهد بود؛ اما موضوع معیشت مردم یک موضوع فوری و امروزی است و واقعیت این است که در میان‌مدت «رفع تحریم» مهم‌ترین عامل بهبود کیفیت زندگی مردم خواهد بود. در واقع، رفع تحریم و خنثی‌سازی تحریم با یکدیگر مغایرت ندارند؛ چه‌بسا با رفع تحریم، فضا برای ایجاد یک اقتصاد قوی و مصون‌تر نسبت به تحریم بهتر مهیا می‌شود. نکته دیگر اینکه رفع تحریم - یا حتی خنثی‌سازی تحریم - صرفاً به این معنی نیست که دولت امکان فروش نفت پیدا کند! متأسفانه برخی در داخل کشور رفع یا خنثی‌سازی تحریم را به امکان فروش نفت تقلیل می‌دهند! این‌حال اینکه زمانی می‌توان از رفع یا خنثی‌سازی تحریم صحبت کرد که هر شرکت خصوصی کوچک یا حتی هر شهروند ایرانی بتواند از محل دفتر یا منزل خود کالا و خدماتش را به هماتایان خود در سایر کشورها آزادانه ارائه کند و بابت آن - بدون هیچ هزینه حقوقی - حق‌الزحمه‌اش را در حساب بانکی خود دریافت کند. اینها نکات مشترکی است که به نظرم لازم است بر سر آنها در داخل کشور توافق کرد. آن‌گاه دست دولتمردان و دستگاه دیپلماسی نیز برای اتخاذ و اجرای یک دیپلماسی شفاف بازتر خواهد شد و دست‌کم مذاکره‌کنندگان تهران - مانند مذاکره‌کنندگان واشگتن - در محذویت‌های سیاست داخلی قرار نخواهند داشت.

♦ **بسا توافق موردنظر آرایش نیروهای نظامی ایران و آمریکا در منطقه بر چه هدفی متمرکز خواهد شد؟**

تنش نظامی میان ایران و آمریکا سابقه طولانی دارد و الزاماً به صورت مستقیم مربوط به پیونده هسته‌ای نیست. گاهی تنش نظامی با یک اتفاق - مانند توقیف یک کشتی تجاری - به صورت موردی رقم می‌خورد و گاهی محصول نگاه راهبردی کلان‌تر آنها به مناسبات بین‌المللی است. مثلاً در مورد اخیر استقرار نیروهای مسلح آمریکایی در کشتی‌های تجاری با ارسال ناوبر به منطقه، به نظر می‌رسد دولت بایدن تصور می‌کند با اعزام نیروی جدید به خلیج فارس از یک سو به کشورهای عرب منطقه نشانی می‌دهد آمریکا آماده برخورد نظامی با ایران است و با وجود سرخورگی آنها از حمایت نظامی آمریکا، از این اتفاق ابایی ندارند؛ و از سوی دیگر، عربستان را به عادی‌سازی روابط با اسرائیل ترغیب و تشویق می‌کند، با لحاظ این نکته که یکی از شروط عربستان برای این «عادی‌سازی» بهره‌مندی آن از حمایت نظامی آمریکا (معادل با حمایت اتحادیه اروپا در ماه ۵ اساننامه ناتو) بوده است. گاهی حتی تنش‌های نظامی توسط دولت‌های ناشی از ملاحظات انتخاباتی است و کارکرد داخلی دارد. طبیعتاً، با پیشرفت سیاست تنش‌زدایی از هر طرف، این قبیل اقدامات نیز به احتمال زیاد کمرنگ‌تر خواهد شد، اما معتقدم «دیپلماسی ناوچنگی» آمریکا - Gunboat diplomacy - ریشه‌دارتر از این است که آمریکا با یک توافق به کل از آن صرف‌نظر کند! در هر حال، مزیت رقابتی آمریکا «توان نظامی» است و در هر رقابت با متزعه‌ای تلاش می‌کند طرف مقابل را به این عرصه بکشاند.

♦ **با این حال به نظر می‌رسد طرفین به توافقی هم در زمینه جلوگیری از ایجاد تنش در منطقه خلیج فارس دست پیدا کرده‌اند؟**

اینکه توافق مشخصی در این زمینه صورت گرفته باشد یا اینکه تعدیل تنش‌ها ناشی از «منطق تنش‌زدایی» حکم بر مناسبات دوجانبه باشد مشخص نیست. اما در هر حال، اتفاق مبارکی است!

♦ **گفته می‌شود با تغییرات صورت‌گرفته در تیم مذاکره‌کننده آمریکا و کنارگذاشتن راب مالی از روند این مذاکرات، دولت بایدن این بار علاوه بر فرستاده ویژه ایالات متحده در امور ایران، «برت مک‌گرگ» هماهنگ‌کننده امور غرب آسیا و شمال آفریقا در کاخ سفید را هم در روند مذاکرات با ایران دخیل کرده است. از دیدگاه شما تعیین فردی در این جایگاه چه پیامی برای این سوی میز مذاکرات (ایران) دارد؟**

آقای مک‌گرگ نزدیک به رئیس شورای امنیت ملی آمریکا - جک سولویان - است و از این رو حضور او نقش گسترده‌تری به سولویان در روند مذاکرات خواهد داد. به همین خاطر، موضعی که او اتخاذ خواهد کرد از موضع مالی که به جریان مذاقح احیای برجام در ساختار سیاست خارجی آمریکا نزدیک‌تر است، سرسخانه‌تر خواهد بود.

♦ **آیا می‌توان به سرانجام رسیدن این دست از مذاکرات خوش‌بین بود؟**

قطعاً باید امیدوار بود. اصولاً امر دیپلماسی با امید پیوند خورده است. ضمن اینکه صحنه بین‌المللی صحنه‌ای است با بازیگران متعدد که مترصد تغییرات فریقابل پیش‌بینی است. چه کسی یک سال پیش تصور می‌کرد نزاع ایران و عربستان سعودی به آشتی بینجامد؟ این ماهیت سیاست و نظام بین‌المللی است که در آن هر اتفاقی امکان‌پذیر است. البته اتفاقات نامطلوب هم امکان‌پذیر است؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که جدا از ملاحظات جناحی و سیاسی، همه شهروندان و بازیگران عرصه سیاست به نهادی مانند وزارت امور خارجه، که نهادی تخصصی است، اعتماد داشته باشند و حتی انتقادات را هم با هدف تقویت و نه تضعیف این دستگاه مهم حاکمیتی انجام دهند. اعتماد عمومی به دستگاه دیپلماسی در هر دولتی که باشد، یک ضرورت است و به امنیت روانی جامعه بسیار کمک می‌کند.



پیدا نکنند، به احتمال زیاد یکی از کشورهای اروپایی پیش از موعد به سازوکار موسوم به «ماشه» متوسل خواهد شد و آن‌گاه از یک سو قطع‌نامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران بازخواهد گشت و از سوی دیگر به احتمال قوی ایران از پیمان ان‌بی‌تی خارج خواهد شد. طبیعتاً، این سناریو مطلوب هیچ کشوری نیست؛ چراکه طرفین را ناگزیر در یک بحران جدید بین‌المللی غرق خواهد کرد که تبعات آن برای همه پیش‌بینی‌ناپذیر است. حال با توجه به اینکه از الان تا اکتبر ۲۰۲۵ دو انتخابات ریاست‌جمهوری در دو کشور در پیش است، علاو وقت مؤثر زیادی برای اعتقاد یک توافق باقی نمانده است؛ یعنی عملاً از ژانویه ۲۰۲۵ (زمان استقرار احتمالی دولت دوم بایدن) تا اکتبر ۲۰۲۵ (تاریخ انقضای قطع‌نامه ۱۲۳۱) - یعنی ۱۰ ماه - وقت است که در میان آن یک انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران نیز برگزار می‌شود!

از این رو، به نظرم طرفین به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راه باقی‌مانده فرمول اجرای گام‌های متقابل و خاموش در چندین مرحله است تا اینکه پس از انتخابات آمریکا (در صورت انتخاب مجدد بایدن) بتوانند به سرعت مجموع اقدامات را حیثاناً جمع کنند و با پشتوانه یک قطع‌نامه جدید شورای امنیت را به کرسی بنشانند. طبیعتاً اگر انتخابات آمریکا منجر به پیروزی یک نامزد جمهوری‌خواه شود، قضیه کاملاً فرق خواهد کرد، اما در این صورت نیز زمینه‌های یک توافق طبق این فرمول تا حد قابل قبولی مهیا شده است. البته اگر آقای ترامپ مجدداً انتخاب شود، حتماً شرایط بسیار متفاوت خواهد بود چراکه با توجه به مشارکت او در شهادت سردار سلیمانی، زمینه‌ای برای مذاکره ایجاد نخواهد شد. این نکته نیز شایان ذکر است که عوامل بیرونی نیز - مانند سرنوشت جنگ اوکراین، سرنوشت آشتی ایران و عربستان، تحریکات اسرائیل، موضوع عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان، بحث دستیابی عربستان به حق غنی‌سازی، موضوع بریکس و شانگهای - هریک می‌تواند بر فرایند مذاکرات تأثیر مثبت یا منفی بگذارد که می‌شود در فرصت دیگری به آنها پرداخت. در اینجا، تصویری که ترسیم شد صرفاً بر اساس معلومات و داده‌های فضای امروز است که به احتمال قوی تا سال آینده تغییر خواهد کرد.

♦ **جالب است در حالی که امیدواری‌ها نسبت به احیای برجام به کمترین میزان خود رسیده است رئیس‌جمهور فرانسه می‌گوید ما می‌خواهیم در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران شفافیت داشته باشیم و برجام را توافق خوبی قلمداد می‌کند. آیا در این‌سبازه زمانی امیدی برای هرگونه مذاکرات نسبت به تداوم احیای توافقی هسته‌ای ایران وجود دارد؟**

قطعاً احیای برجام به شکل قبلی برای اروپایی‌ها - که در بحران اوکراین به سسر می‌برند - کم‌دردسرترترین و ثبات‌آورترین» گزینه است و برای ایران نیز حالت ایدئال است. در واقع، اگر برجام به شکل قبلی ادامه پیدا می‌کرد - یا سال گذشته طرفین در احیای آن موفق می‌شدند - در اکتبر ۲۰۲۵ (یعنی حدود دو سال دیگر) پرونده ایران به کل از شورای امنیت خارج می‌شد و بحران هسته‌ای بعد از یک نسل به پایان می‌رسید و شرایط کشور به شرایط عادی بازمی‌گشت! اما متأسفانه اسرائیل و جریان‌های تندروی مخالف برجام در واشگتن اجازه تحقق این سناریو را ندادند و در داخل کشور نیز قدر این فرصت آن‌طور که باید دانسته نشد. حال، به نظر می‌رسد به جایی رسیده‌ایم که لازم است - با وجود موانع زیاد پیش‌رو - توافق جدیدی منعقد شود که مواردی غیر از موضوع هسته‌ای را نیز ناگزیر دربر خواهد گرفت.

♦ **یعنی با اهتمام به این موضوع که کمتر از ۱۵ ماه تا زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا باقی مانده است و با توجه به انتقادهای بی‌شمار سناتورها و نمایندگان مجلس آمریکا از هرگونه توافقی با ایران، کاخ سفید ممکن است ریسک توافق با تهران را ببپذیرد؟ این احتمال تا چه اندازه شدنی است که طرفین (ایران و آمریکا) بدون امضای توافقی‌نامه‌ای خود راساً بندهایی از آن را اجرا کنند؟ یعنی با پذیرش بندهای یک توافق نانوشته، هریک تعهداتی را بپذیرا باشند؟**

به نظرم اگر منطق تنش‌زدایی در دو پایتخت حاکم شود و سیاست کلی به این سمت حرکت کند، این امکان وجود دارد که کام‌های خاموش از سوی هر طرف برداشته شود، بی‌آنکه تشریفات حقوقی و سیاسی مرسوم به اجرا گذاشته شود. در نهایت نیز مجموع این گام‌ها می‌تواند در قالب یک قطع‌نامه شورای امنیت جمع و تثبیت شود. البته، برای تداوم هرآنچه توافق شده هم لازم است این «منطق تنش‌زدایی» در هر دو کشور در بلندمدت تداوم داشته باشد.

♦ **در صورت احتمال اجرای بندهای یک توافق نانوشته، چه مواردی می‌تواند در آن لحاظ شده باشد و طرفین به دنبال اجرای چه تعهداتی از سوی طرف مقابل باشند؟**

تبادل زندانیان بین دو کشور؛ حفظ یک سقف برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران

♦ **ایران و قدرت‌های بزرگ جهانی پس از سال‌ها مذاکره توانستند به توافقی برای خروج پرونده هسته‌ای ایران از ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل دست پیدا کنند که با خروج ترامپ از توافق به‌دست‌آمده، برجام تقریباً به قهقرا رفت. حالا هم صحبت از توافقی در ابعاد کوچک‌تر یا موقتی یا حتی در شکل و شمایل دیگری است. برجام چه شد؟ آیا واقعا مرگ برجام فرارسیده است؟**
خیر، نمی‌شود گفت مرگ برجام فرا رسیده است. فراموش نکنیم هنوز اقدامات جبرانی ایران در محافل بین‌المللی ذیل ماده ۲۶ و ۳۶ برجام توجیه می‌شود و هنوز قطع‌نامه ۲۲۳۱ برقرار و جایگزین قطع‌نامه‌های تحریمی شورای امنیت است؛ ضمن اینکه هر مذاکره‌ای که صورت می‌گیرد نیز - چه با آژانس و چه با آمریکا - کماکان حول محور برجام است. علاوه‌براین هنوز اغلب کشورهای جهان - از جمله اعضای BRICS که در بیانیه پایانی نشست اخیرشان به اهمیت موضوع اشاره کرده‌اند - خواستار احیای برجام هستند. در نتیجه، برجام هنوز یک سند محوری است که آثار حقوقی و سیاسی‌اش بر مناسبات بین‌المللی سایه افکنده است و ازاین‌رو نمی‌شود آن را یک سند مرده تلقی کرد. حتی در داخل کشور نیز هرگاه سیگنال مثبتی از احیای برجام مخابره می‌شود، تأثیر آن را می‌شود در بازار ارز مشاهده کرد. یک سند مرده که این‌قدر اثر ندارد!

♦ **دقیقاً در فرایند عضویت ایران در پیمان شانگهای نیز به این موضوع توجه شده بود. در سال ۲۰۱۰ که ایران مجدداً درخواست عضویت در این پیمان را مطرح کرده بود، عدم تحریم بین‌المللی به‌عنوان یکی از شروط و عضویت راه را بر الحاق ایران که با قطع‌نامه‌های تحریمی شورای امنیت مواجه بود، بست؛ یعنی هم درباره پیمان شانگهای و هم BRICS. برجام چاره‌ساز بود؛ اما چرا مقامات دولت سیزدهم خواهان اشاره‌نکردن به این توافق بین‌المللی در نتیجه‌گیری از توافق‌هاشان هستند؟**
درباره پیمان شانگهای، یکی از شروطی که در اساسنامه آن قید شده، این است که کشور متقاضی عضویت نباید تحت تحریم‌های سازمان ملل قرار گرفته باشد. حال، اگر صرفاً از زاویه حقوقی به موضوع نگاه کنیم، پس از برجام و لغو قطع‌نامه‌های تحریمی شورای امنیت، این مانع حقوقی از سر راه ایران برداشته و راه عضویت آن هموار شد. البته عده‌ای می‌گویند قطع‌نامه ۲۲۳۱ نیز حاوی تحریم است و ازاین‌رو این استدلال را قبول ندارند؛ اما واقعیت این است که آنها در تحلیل قطع‌نامه ۲۲۳۱ اشتباه می‌کنند. قطع‌نامه ۲۲۳۱ به نیت تحریم ایران تصویب نشده و هیچ تحریم جدیدی نیز وضع نکرده است، بلکه صرفاً تحریم‌های قدیمی را در یک فرایند زمان‌بندی‌شده منقضی می‌کند. طبیعتاً برای اینکه مشخص کند کدام تحریم در چه زمانی لغو می‌شود، تحریم‌های قبلی را در بند ب ماده ۷ خود ذکر کرده است! ذکر این تحریم‌ها - برخلاف نظر این منتقدان - به معنی این نیست که این قطع‌نامه ایران را «تحریم» کرده است! در واقع، قطع‌نامه ۲۲۳۱ ماهیتاً با قطع‌نامه‌های تحریمی پیشین فرق می‌کند و اینکه مابقی روابط شورای امنیت با ایران تغییر کرده نیز به‌شکراتی در مقدمه قطع‌نامه آمده است. ضمن اینکه در بیانیه‌ای که اعضای شانگهای پس از پذیرش ایران صادر کردند، مشخصاً به اهمیت «اجرای پایدار برجام» و ضرورت پایبندی همه اعضا به قطع‌نامه ۲۲۳۱ تأکید شده است؛ پس چطور می‌شود اعضای شانگهای قطع‌نامه ۲۲۳۱ را از یک طرف قطع‌نامه تحریمی باندند و از طرف دیگر بردعاً اساسنامه خود بر ضرورت اجرای آن اصرار کنند؟ حقیقت این است که برخلاف تصور می‌کنند کارنامه یک دولت سراسر شگفت‌انگیز و کارنامه دولت دیگر فقط مملو از موفقیت است و براساس این نیز تحلیل‌های بی‌بجایی این‌چینی ارائه می‌دهند! اما درباره بریکس چنین پیش‌شرطی از اساس برای عضویت در آن مقرر نشده است. هرچند در بیانیه پایانی آخرین نشست بریکس نیز بر اهمیت احیا و اجرای برجام تأکید شده است.

به این نکته هم درباره ریسک استناد بی‌رویه، فراسرزمنی و یک‌جانبه آمریکا از ابزار تشکیل مجموعه بریکس اشاره می‌کنند. فراسرزمنی و یک‌جانبه آمریکا از ابزار تحریم بوده است؛ یعنی هم تجربه خروج آمریکا از برجام، هم تجربه اعمال بی‌رویه تحریم‌های یک‌جانبه به‌عنوان یک ابزار مذاکراتی از طرف آمریکا علیه برخی شرکای سیاسی و تجاری خود و هم تجربه اخیر روسیه، کشورهای مؤسس بریکس را به این نتیجه رساند که لازم است بعد از ۱۰ سال این مجموعه را گسترش دهند و علیه پدیده تسلیح اقتصاد - Weponisation of economy - به‌طور جد سازوکارهای جدیدی پیش‌بینند؛ به‌همین خاطر به نظر می‌رسد مهارت ایران در دوزدن تحریم‌ها برای‌شان ارزشمند بوده است.

در واقع، پیش از خروج آمریکا از برجام، خیلی از تحلیلگران - از جمله بسیاری از تحلیلگران در خود آمریکا - باور نداشتند دولت ترامپ دست به چنین خطای راهبری مهمی بزند و با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و فراسرزمنی - که حق حاکمیت بسیاری از کشورها را در سراسر جهان نقض می‌کرد - هم اعتبار خود و هم اعتماد عمومی نسبت به «دلار» را از بین ببرد. به‌همین خاطر خروج از برجام را غیرمنطقی و دور از ذهن می‌دیدند. امروز، با تقویت و گسترش بریکس تا حدودی نتیجه بلندمدت این خیط بزرگ - و البته تکرار خطاهای مشابه در موارد دیگر - را حتی خود آمریکایی‌ها هم احساس می‌کنند.

♦ **در همین ماه‌های اخیر با توافقات صورت‌گرفته چندین مسورد از موارد حاشیه‌ای مذاکرات احیای برجام به سرانجام رسید؛ موضوعاتی مانند مبادله زندانیان دوتابعیاتی ایرانی- آمریکایی یا آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران. حتی گفته می‌شود که تهران درباره سطح غنی‌سازی نیز در مذاکراتی غیرمستقیم که میان نماینده شورای عالی امنیت ملی کشورمان از یک سو و نماینده شورای امنیت ملی آمریکا صورت گرفته نیز به توافقاتی با واشگتن دست پیدا کرده است. دیدگاه جناب عالی در این زمینه چیست؟**

ظواهر امر نشان می‌دهد ایران و دولت کنونی آمریکا بر حسب ضرورت، سیاست تنش‌زدایی را پیش گرفته‌اند. به نظر می‌رسد هر دو می‌دانند افزایش تنش می‌تواند تبعات سنگینی در پی داشته باشد و ازاین‌رو تلاش کرده‌اند فرمولی پیدا کنند تا با حداقل هزینه سیاسی به نوعی توافق دست پیدا کنند. در واقع، فرمول «احیای برجام به شکل سابق» در مقطع کنونی تحقق‌یافتنی نیست؛ چراکه آقای بایدن در فصل انتخاباتی قرار دارد و حاضر نیست بابت احیای برجام با لابی اسرائیل، رقبای خود و کنگره - که اصرار بر بازبینی هر توافقی با ایران را وفق قانون INARA دارد - درگیر شود. فرمول «توافق موقت» نیز یاب میل ایران نیست؛ چراکه احساس می‌کند در این صورت نیاز به احیای مذاکراتی خود را تضعیف خواهد کرد و در ازای آن امتیاز چشمگیری که بر اقتصاد کشور تأثیر معناداری داشته باشد، به دست نخواهد آورد. پس می‌توان این‌طور استنباط کرد که طرفین به این نتیجه رسیده‌اند که باید فرمول سومی پیدا کرد که در اینجا به اختصار ملاحظات آن را - آن‌طور که برداشت می‌شود - تشریح می‌کنم:

توجه داشته باشید که در فرایند مذاکرات که بسیار طول کشیده، عامل «زمان» به‌تدریج اهمیت زیادی پیدا کرده است؛ چراکه اگر طرفین تا اکتبر ۲۰۲۵ - که قطع‌نامه ۲۲۳۱ به صورت خودکار منقضی می‌شود - به یک توافق دست

اخبار برگزیده

چرا جواد روحی مشمول عفونشده بود؟

میزان: در پی فوت یک زندانی به نام جواد روحی در بیمارستان، برخی اظهارنظرها درباره این فرد در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شد.

یکی از مواردی که برخی رسانه‌ها درباره جواد روحی مطرح کرده‌اند، این است که چرا جواد روحی با وجود بیماری مشمول عفو و ارفاقات قانونی مانند مرخصی نشده بود؟

بررسی قانونی وضعیت جواد روحی حکایت از آن دارد که پزشکی قانونی براساس معایناتی که انجام می‌دهد، تشخیص می‌دهد یک زندانی توان تحمل کیفر را دارد یا باید برای انجام مراحل درمان بیماری خارج از زندان حضور داشته باشد. درباره جواد روحی، پزشکی قانونی طبق معاینات انجام‌شده تشخیص نداده بود که او توان تحمل ندارد.

همچنین سابقه بیماری و تشنج جواد روحی مربوط به زمان قبل از حضور او در زندان بوده است و در طول دوران حبس هیچ موردی از تشنج مگر در تاریخ نهم شهریور در این فرد مشاهده نشده بود. همچنین جواد روحی هنگام ورود به زندان مانند هر فرد دیگری با معاینه کامل و شرح حال گرفته‌شده از مددجو وارد زندان می‌شود و در صورتی‌که فرد نیاز به دارویا درمان خاصی داشته باشد، حتما در پرونده پزشکی او ثبت می‌شود. درباره جواد روحی هم در شرح حال عنوان شده بر او ای مواردی مانند اعتیاد (که با نظر پزشک زندان متادون مصرف می‌کرده و درصد ترک آن بوده است) ثبت شده بود. جواد روحی همچنین به دلیل برخی مشکلات که پیش‌تر به آن دچار بوده است، قرص‌های تحت نظر مصرف می‌کرده که تمام این قرص‌ها زیر نظر بهداری زندان به او تحویل و مصرف می‌شد‌اند.

درباره اینکه چرا جواد روحی مشمول عفو نشده، نیاز به توضیح است که براساس بخش اول بخش‌نامه عفو مقام معظم رهبری بهممن ماه سال گذشته افرادی که اتهام آنها مباشرت، مشارکت و معاونت در ارتکاب جرائم مستوجب مجازات محاربه، افساد فی‌الارض و بغی و ارتکاب تخریب و احراق عمده تاسیسات دولتی، نظامی و عمومی بود، مشمول عفو نمی‌شدند.

اتهامات جواد روحی نیز براساس کیفرخواست صادره افساد فی‌الارض از طریق ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور، احراق و تخریب اموال به‌گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی و ورود خسارت عمده به اموال عمومی شده است، ایجاد حریق و خرابکاری در اموال و تاسیسات مورد استفاده عمومی به منظور اختلال در نظم و امنیت جامعه، تحریک برخی از شهروندان به ایجاد ناامنی و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم ضد امنیت داخلی کشور و ارتداد از طریق تنگ حرمت به قرآن از طریق آتش بود که این موارد مشمول عفو رهبر معظم انقلاب نمی‌شدند.

جواد روحی لیدر اصلی در ششی است که پنج نفر در نوشهر بر اثر اقدامات شبه‌تروریستی کشته شدند؛ همچنین او عامل اصلی حمله به مقر نیروی انتظامی در نوشهر و قرآن‌سوزی و اعتراف صریح به این اتفاق است.

دلیل دیوان عالی کشور در نقض حکم شستن میت در پرونده بی‌حجابی

«شستن میت» مجازات قانونی بی‌حجابی نیست

شرق: شعبه اول دیوان عالی کشور حکم صادره برای شستن میت در یکی از غسل‌خانه‌های استان تهران که برای یک زن به عنوان مجازات بی‌حجابی در خودرو صادر شده بود را لغو کرده است.
پیمان عبدغفور وکیل متهم در این پرونده با بیان این خبر در توضیح روند پرونده به «شرق» گفت: تیر ماه بود که متن رأی منتسب به شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهرستان ورامین در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شده بود که بر اساس آن یک زن به سبب عدم رعایت حجاب به شستن میت برای مدت یک ماه محکوم شده بود. بر اساس دادنامه منتشر شده؛ حکم صادرشده به اتهام عدم رعایت حجاب در خودرو به پرداخت ۳۱ میلیون ریال جزای نقدی بدل از دو ماه حبس و از جهت مجازات تکمیلی به مدت یک ماه به شستن میت به عنوان خدمات عمومی در غسل‌خانه شهرستان تهران محکوم کرده بود.

این‌وکیل دادگستری در ادامه افزود؛ با توجه به اینکه این حکم جزء مجازات درجه هفتم بود نمی‌شد تجدیدنظرخواهی کرد بنابراین از طریق درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور اقدام کردیم که دیوان با تجویز اعاده دادرسی موافقت کرده و اکنون پرونده به دادگاه هم‌عرض برای رسیدگی مجدد ارسال خواهد شد.

او در رابطه با ادله اثبات جرم بی‌حجابی در این پرونده توضیح داد: متهم نداشتن حجاب را نپذیرفته و فقط در دادگاه بدوی گفته بود که شاید بدون اینکه متوجه باشد لحظه‌ای روسری از سرش افتاده است اما قاضی با توجه به گزارش دوربین مداربسته در حین رانندگی حکم به مجازات داده اما جالب است بدانیم که در حکم دیوان عالی کشور بر این نکته تأکید شده که با توجه به اینکه گزارش پلیس مستند به دوربین مداربسته و ثبت پلاک است، از کجا معلوم که راننده این شخص بوده و مالکیت شماره پلاک نشانه اینکه در زمان ثبت گزارش این خانم در آن لحظه پشت فرمان بوده، نیست، بنابراین براساس این نکته باید گفت که احتمالاً با عکس از آن لحظه وجود تصویری واضح که دوربین‌های راهنمایی و رانندگی ضبط کرده باشند وجود ندارد و با گزارش کتبی در حقیقت این پرونده منجر به حکم شده است. این‌وکیل ادامه داد: نکته بعدی تأکید دیوان بر این حقیقت است که قاضی خلق مجازات کرده است زیرا حتی در مجازات‌های تکمیلی «شستن میت» ذکر نشده است. این امر مخالف اصل قانونی بودن مجازات‌هاست و وقتی چنین کاری جزء مجازات‌ها نیست نمی‌تواند برای فردی انجام داده شود. بنابراین مصدق مجازات‌های تکمیلی نیز در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی آمده که شستن میت جزء مصادیق مجازات تکمیلی و خدمات عمومی رایگان نیامده است و صدور چنین احکامی همان‌طورکه دیوان عالی کشور مقرر کرده فاقد محمل قانونی است

او با بیان اینکه «دیوان عالی کشور نشان داد بدون هیچ جهت‌گیری سیاسی در موضوع حجاب و مجازات‌های آن، مر قانون ملک تصمیم‌گیری و صدور حکم است» تأکید کرد: «بنده و همکارم آقای دکتر نوح‌زاده و سایر شرایط قانونی، از این حکم غیرواقعی و ناعادلانه به وکالت از متهم درخواست تجویز اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور کردیم که خوشبختانه دیوان عالی کشور در رأی تاریخی و وزین خود ضمن تجویز اعاده دادرسی نسبت به این حکم اعلام کرد که مجازات تکمیلی باید در جهت تأثیر آن بر مرتکب اعمال شود و در مواردی که شخص ضمن انکار جرم‌اصرائی بر انجام آن ندارد و فاقد سابقه کیفری است و سوابق خانوادگی او هم‌چنان بی‌خطر باوردهن وی را تأیید نمی‌کند ضرورتی برای اعمال این‌گونه مجازات‌ها وجود ندارد.»

او ادامه داد: همچنین دیوان عالی کشور در این رای مستدل خود ابراز کرده است که طبق ماده ۶ آیین‌نامه ماهه ۷۹ قانون مجازات اسلامی دادگاه صادرکننده رأی با رضایت متهم و با توجه به نوع جرم، صلاحیت علمی و اخلاقی، شخصیت، تخصص، مهارت، تجربیات و سن متهم و همچنین ملحوظ‌داشتن ظرفیت، اولویت‌های اجتماعی که به ارائه خدمات عمومی مشغول‌اند و سایر شرایط قانونی، نوع، مدت و ساعت خدمات عمومی رایگان را تعیین می‌کند و این رضایت منصرف از نوع خدمات عمومی رایگان مورد حکم نیست؛ به عبارت دیگر دادگاه باید بدوا رضایت متهم از جهت نوع، مدت و ساعت خدمات عمومی رایگان را اخذ و سپس به صدور رأی مبادرت کند. عبدغفور در ادامه افزود: بنابراین در پاسخ به نگرانی‌هایی که برخی بانوان از صدور چنین احکامی دارند باید گفت هیچ قاضی دستگاه دادگاسی نمی‌تواند اقدام به خلق مجازات‌ها و برای جرم بی‌حجابی مجازاتی را مقرر کند که در قانون نیامده است.